



اشاره

سیر تکاملی نظام آفرینش و نقش انسان در سر نوشتش، چنین اقتضا می کند که هر کس به تناسب رشد خود و دوره ای که در آن زندگی می کند با وظایفی و مسئولیت هایی که متوجه وی می گردد به خوبی آشنایی و شناخت پیدا کند تا ضمن دستیابی خود به تکامل، به سعادت جامعه نیز یاری رساند... و بدینسان است که دورانی که به تحقق عدالت سراسری و مطلق منتهی می شود؛ وظایفی سنگین تر و مسئولیت های سترگ تر دارد.

در عصر غیبت کبری امام مهدی (عج) نیز از جمله مسائلی که همواره مسلمانان، به ویژه شیعیان و پیروان اهل بیت خواهان فهم آن هستند، شناخت ویژگی های منتظران واقعی آن حضرت است؛ در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مطالعه در آموزه های اصیل اسلامی، به مهم ترین شاخصه های منتظران در عصر غیبت کبری آن امام همام بپردازیم.

کسب معرفت نسبت به حضرت مهدی (عج)

یکی از مهم ترین شاخصه های منتظران، کسب معرفت شناخت آن امام همام است. در منابع روایی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: روزی امام حسین (علیه السلام) بر اصحاب خویش وارد شدند، بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْتَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ بِأَبَى أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟»

قال: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» (1) ای مردم! خداوند بندگان را نیافرید، مگر برای این که او را بشناسند، زمانی که او را شناختند، او را پرستش کنند و هنگامی که او را پرستش کردند، با عبادت و پرستش او از بندگی غیر او بی نیاز گردند.

مردی عرض کرد: ای پسر پیامبر! پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت خداوند چیست؟
فرمود: شناخت اهل هر زمانی نسبت به امامشان، امامی که طاعت او بر آنان واجب است.
معرفت شناخت امام زمان، اهمیت ویژه ای در زندگی و مرگ انسانها دارد؛ زیرا مرگ هرکس، چکیده زندگی است.
هرکسی آن گونه می میرد که زندگی کرده است.

در اهمیت شناخت امام و حجت هر زمان، همین بس که شناختن وی، مساوی با بی دینی و جهالت است.
چنان که در حدیث مشهور بین مسلمانان از پیامبر اکرم ص روایت شده است که فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (2) هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. بنابراین،
براساس سخن پیامبرص هر کس امام زمانش را نشناسد، نه تنها مرگش جاهلی است، بلکه زندگی او نیز، زندگی جاهلانه خواهد بود.

از فخر رازی روایت شده که رسول خدص فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا» (3) هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، پس باید بمیرد اگر می خواهد یهودی و اگر می خواهد نصرانی.

اینجاست که سرّ حکیمانه سخن امام صادق (علیه السلام) برای ما روشن می شود که فرمودند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي»؛ (4) خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت.

خدایا! پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من شناسانی، از دینم گمراه می گردم.
این دعایی است که امام صادق (علیه السلام) برای زمان غیبت امام عصرعج تعلیم داده اند. با توجه به مضمون این گونه دعاها در می یابیم که شناخت پیامبران الهی از طریق شناخت و معرفی خدا صورت می گیرد و شناخت حجت الهی نیز از طریق شناخت پیامبران.

پس از معرفی، بندگان برگزیده خدا به مردم، وظیفه خلق است تسلیم و پذیرفتن این معرفی است. درست مانند وظیفه ای که در برابر شناخت خدا بر عهده مردم بود.
بنابراین اگر کسی به گمان خود، به معرفت خدا و ربوبیت او گردن نهد و خود را در پیشگاه مقدسش تسلیم نماید، اما در پذیرفتن راهی که خداوند برای بندگی خود قرار داده، حالت انکار، یا شک و تردید داشته باشد، در حقیقت بنده خدا نبوده، بلکه پیرو هوای نفس و میل خویش نموده است. بنابراین تنها راه نجات، همانا معرفت و در پی آن تسلیم شدن به پیامبران و حجج الهی است که خداوند آنها را ولی و خلیفه خویش در زمین قرار داده است.

ای یوسف گم گشته محبوب کجایی؟

ای نور خدایی!

این است گمانم که تو رنجیده زمایی؟

گفتی که نیایی
هستیم مگر همه تقصیر و خطایی
کانون عطایی
بردار نقاب و کن صلح و صفایی
بی چون و چرایی
ای مهدی موعود امم!
نور هدایت! جانم به فدایت

تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت (علیه السلام)

ولایت اهل بیت (علیه السلام) دو گونه است:

(الف) ولایت تکوینی: این نوع ولایت بدین معناست که حضرات معصومان (علیه السلام) به إذن و اراده الهی، می توانند در مقام تکوین و عینیات خارجی، دخل و تصرف کنند، مانند معجزات انبیاء (علیه السلام) و کرامات اولیاء (علیه السلام).

(ب) ولایت تشریعی که به معنای ولایت و سرپرستی جامعه و مؤمنین است. ائمه اطهار (علیه السلام)، هر کدام در زمان خود، ولی و سرپرست جامعه بوده و مردم را هدایت تشریعی می کنند.

یکی از ویژگی مهم منتظران در زمان غیبت، چنگ زدن به ریسمان ولایت اهل بیت (علیه السلام) است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا» (5) خوشا به حال

شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ولایت ما تمسک می جویند.

همچنین امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وِلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ

مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ» (6) هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده به امامت م ثابت قدم باشد، خدای

متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می کند.

و نیز امام صادق (علیه السلام) فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ» زمانی بر مردم فرارسد که

پیشوایشان از آنان غایب گردد.

زاره پرسید: در آن زمان مردم چه کنند؟ امام (علیه السلام) فرمود: «يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ

لَهُمْ» (7) به همان امر ولایتی که برآند چنگ زنند، تا برایشان آشکار شود.

تهذیب نفس و اصلاح فردی

یکی از ویژگی مهم منتظران دولت کریمه امام عصر (عج)، پارسائی و آراستگی به اخلاق نیک و پسندیده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (8) هر کس شادمان می گردد از این که از یاران حضرت مهدی (عج) باشد، باید منتظر باشد و به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید و او منتظر واقعی است. همچنین آن حضرت فرمود: «إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غِيَبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلِيَتَمَسَكَ بِدِينِهِ» (9) به یقین برای صاحب این امر غیبتی است، پس بنده خدا باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند.

کسب آمادگی نظامی برای ظهور امام عصر (عج)

یکی دیگر از شاخصه های منتظران فرج قائم آل محمدص، کسب آمادگی های نظامی و مهیا کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری و نصرت امام غائب است، چنان که در روایتی که نعمانی به سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده آمده است: «لِيَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ رَجُوتَ لَنْ يَنْسِيَ فِي عَمَرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ» (10) هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (علیه السلام) هر چند به اندازه یک تیر، مهیا کند. هرگاه خدای تعالی چنین نیتی از او ببیند، امیدوارم عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند و در زمره یاران و همراهانش قرار گیرد. همچنین در روایت دیگری مرحوم کلینی به سند خود از امام کاظم (علیه السلام) نقل می کند که: «مَنْ أَرْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقَّعًا بِهٖ أَمْرًا وَ يَغِیْظُ بِهٖ عَدُوًّا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدْرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَي حَوَائِجِهِ» (11) هرکس مرکبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد در حالی که خودش به ما منسوب باشد، خداوند روزیش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش او را یاری کند.

نکته شایان توجه این که: نحوه آمادگی و مهیا بودن بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولی امرعج به میان آمده، و برای آن فضیلت بسیار بر شمرده شده است، به این معنا نیست که اینها موضوعیت دارند، بلکه با اندکی تأمل روشن می شود که ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق می باشد، و مسلماً در این عصر بر شیعیان لازم است که با مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمدعج آماده سازند، و البته در حال حاضر به خاطر وجود حکومت شیعی و حاکمیت فقیه جامع شرایط بر سرزمین اسلامی این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.

امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ویژگی مهم مسلمانان و منتظران در عصر غیبت و حتی عصر ظهور آن امام همام پاسداری از دین و حفظ حقوق مردم و سلامت و نظم جامعه اسلامی است. هر فرد منتظر باید در برابر آحاد جامعه اسلامی احساس مسئولیت کرده، در راه اصلاح و ساختن افراد تلاش نماید، تا جامعه و افراد آن آماده پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) شوند.

اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و قانون امر به معروف و نهی از منکر در متن آموزه های اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «لِیَعْنِ قَوَّیْکُمْ ضَعِیفُکُمْ وَ لَیُعْطِفَ غَنِیْکُمْ عَلٰی فَقِیْرُکُمْ وَلِیَنْصَحِ الرَّجُلُ اَخَاهُ النَّصِیْحَةَ لِنَفْسِهِ» (12) توانمندان شما باید به ضعیفان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقرایتان مهربانی کنند، هر کس باید برادر دینپاش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.

قرآن کریم می فرماید: «كُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (13) شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِیَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصَّلَاحُ فَرِیضَةٌ عَظِیْمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ یَسْتَقِیْمُ الْأَمْرُ» (14) بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریقه صالحان است. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای سترگ و خطرناک است که به وسیله آن سایر واجبات انجام می پذیرد و راهها امنیت می یابد و در آمدها حلال و مشروع می گردد، مظالم باز گردانده می شود، زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.

آری، اگر همه مسلمانان خود را موظف به اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی بدانند، قدم های اوّلیه برای نیل به جامعه ایده آل و مطلوب مهدوی برداشته می شود.

نکته بسیار شایان توجه این است که واژه انتظار نباید ابزاری برای بهانه و سستی و خمودی منتظران قرار گیرد. به بیان روشنتر سکون و بی تحرّکی برای منتظران حضرت، خلاف آیات و روایات موجود درباره مهدویت و خلاف عقل و این تفسیر از انتظار بهانه ای برای بی قیدی و بی تکلیفی است. انتظار سازنده که مورد نظر تعالیم حیاتبخش اسلام است، این است که یک مسلمان و منتظر برای تحقق آرمانهایی که از کتاب و سنت دریافت کرده همواره در تکاپو و تلاش باشد.

برخی از این آرمانها عقیدتی است و برخی عملی مثل عدالت و اینها در پیوند با یکدیگرند.

محو ظلم و جهل، آرمانهایی است که قرآن برای مسلمان ترسیم می کند و مسلمان در تلاش برای تحقق این آرمانهاست و ارتباط این قضیه با مسئله مهدویت و منتظر این است که ما آن حضرت را قلّه این حرکت می دانیم؛ نه بدین معنا که آن حضرت باید به تنهایی این معضلات را رفع کند، که این تفکّر قوم بنی اسرائیل در برابر حضرت موسی بوده است. بنابراین، بر همه مسلمانان به ویژه منتظران واقعی آن حضرت فرض است که در اصلاح

جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی تفکر و آرمانهای مهدویت از هیچ تلاشی دریغ ننمایند.

انتظار فرج

یکی از ویژگی منتظران در عصر غیبت، انتظار فرج است.

مقصود از انتظارالفرج چیست؟

فرج به معنای نصرت و پیروزی، و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومتهای کفر و شرک و بیداد است. پیروزی حکومت عدل گستری که به رهبری امام عصرعج تشکیل می گردد. بنابراین، مقصود از انتظار فرج، انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ است. بی تردید منتظر حقیقی کسی است که حقیقتاً خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد؛ و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد. در غیر این صورت، انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد ماند. بدین جهت، در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. (15)

زیرا کسی که حقیقتاً منتظر ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل استوار می سازد و او انسانی است که نحوه رفتار و سیر و سلوکش در زمان حضور و غیبت امام تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثارش نیز در عمل نمایان می شود. چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و با مقدسات دینی و رسالت های انسانی در تعرض و تناقض است. براساس این بینش در می یابیم که انتظار فرج به معنای بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشری می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید این که امام زمان عج ظهور و امور را اصلاح کند نیست. بدیهی است انتظار فرج، به شرحی که گذشت، بهترین عبادت است. چنین منتظری مقامی بس عالی و جایگاهی بس بلند دارد و هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت عج زنده بوده، تحت فرمان او در راه خداوند جهاد می کنند. (16)

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «**اَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَتَيَّسُّوْا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ، فَاِنَّ اَحَبَّ الْاَعْمَالِ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ**» **اَنْتَظَرُ الْفَرَجَ**» (17) منتظر فرج باشید، و از گشایش الهی مأیوس نگردید، زیرا که محبوبترین کارها نزد خدای بزرگ انتظار فرج است.

زمینه اصلی پابندی به تکلیف و پیوند با حق و عدل و با امام موعود (علیه السلام) در انتظار تحقق می پذیرد. انتظار به این معناست که پدید آورنده امید است؛ و یأس است که عوامل اصلی تکلیف شناسی و بی تعهدی و دوری از حق و عدالت و گسستن پیوند از امام و آرمانهای الهی اوست؛ براین اساس است که انتظار فرج و امید به آینده و تحقق جامعه آرمانی مهدوی برترین اعمال (18) شمرده شده است. همچنین جامعه و مردم معتقد به اسلام و دین باوران راستین و معتقدان به درستی وعده های قرآن و پیامبر و

امامان، باید از رخنه وسوسه های شیطانی در دل خود مانع گردند، و در دوران تباهیها، دشواریها، حوادث ناگوار، شکستهای پیاپی، رنگ باختگی ادعاها، نافرجامی تلاشها و کوششها، به نتیجه نرسیدن قیامها و منحرف شدن انقلابها، باید در دل و درون استوار باشند، و هیچ گونه تزلزل و ناامیدی به خویش راه ندهند. شکیبای باشند و بدانند که هرگونه یأس در هر شرایطی پدیده ای شیطانی است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «...فلا يستفزك الشيطان، فان العزة لله و لرسوله و للمؤمنين، و لكن المنافقين لا يعلمون. الا تعلم ان من انتظر امرنا و صبر على ما يرى من الادي و الخوف، هو غداً في زمرةنا...» (19) شیطان تو را تحریک نکند؛ زیرا که عزّت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است، ولی منافقان نمی دانند. آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما حاکمیت و اجتماع آرمانی م باشد، و بر بیم ها و آزارهایی که می بیند شکیبایی ورزد در روز بازپسین در کنار ما خواهد بود...

باری، تلاشهای ناکام، کوششها و جوش و خروشهای فراوانی که به هدف نرسیده است، ممکن است کسانی را دچار یأس و شکست کند، و شکیب از ایشان بستاند، و از کارآیی دین خدا و رهبری الهی و آینده آن مأیوس سازد. این یأس از منطق دین و آیین خرد بدور است. باید از نفوذ چنین اندیشه هایی در ذهن افراد و جامعه پیشگیری کرد، و با تکیه به خدا و ایمان به حتمیت وعده های الهی و اعتقاد به اصالت راه پیامبران و حقانیت تعالیم امامان معصوم (علیه السلام)، پایداری را زنده نگاه داشت، و صبر پیشه کرد، و امیدها را به یأس بدل ساخت و پیروزی دین خدا و عزّت حتمی مؤمنان و تحقق جامعه عدالت بنیاد مهدوی را وعده تخلف ناپذیر دانست.

همچنین آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: «اقرب ما يكون العباد من الله جلّ ذكره و ارضى ما يكون عنهم اذا افتقدوا حجة الله جلّ و عزّ و لم يظهر لهم و لم يعلموا مكانه و هم في ذلك يعلمون انه لم تبطل حجة الله جلّ ذكره و لا ميثاقه، فعندها فتوقعوا الفرج صباحا و مساءً» (20) زمانی بندگان به خدای بزرگ نزدیکترند و خدا از ایشان خشنودتر است که حجّت خدای متعال از میان آنان ناپدید گردد و ظاهر نشود و آنان جایش را هم ندانند. با این همه بدانند که حجّت و ميثاق خدا باطل نشده است. در آن زمان، هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید. نکته ای که در روایات مربوط به انتظار فرج حضرت ولی عصر عجل بسیار به آن پرداخته شده، مسئله صبر در این انتظار و پاداش صابران در این دوران است.

امام صادق (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَ أُحُدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلْنَا فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ» (21) پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه نفر از شما را داشته باشد. اصحاب گفتند: ای رسول خدص! ما در جنگ بدر و احد و حنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است؟ پیامبر ص فرمود: اگر آنچه از حوادث ایام به ایشان می رسد، به شما رسد، صبر آنان را ندارید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انتظار الفرج بالصبر عبادة» (22) انتظار فرج با صبر، عبادت است.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ إِنْتَظَارَ الْفَرَجِ» (23) چه نیکوست شکیبائی و انتظار فرج. امام حسین (علیه السلام) فرمود: «له غيبة يرتد فيها اقوام و يثبت فيها على الدين آخرون، فيؤذون و يقال لهم: متى هذا الوعد ان كنتم صادقين اما ان الصابر في غيبته على الادي و التكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله» (24) برای او مهدی غیبتی است که اقوامی در آن از دین خارج شوند و گروهی بر دین ثابت قدم بمانند و آزار و اذیت می کشند و به آنها گفته می شود: این وعده ظهور چه وقت عملی می شود، اگر راست می گویند؟ بی تردید صبر کننده در زمان غیبت در برابر آزار و تکذیب مخالفان، به منزله جهاد کننده با شمشیر در

رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

جوامع شیعه، دارای چنین انتظاری است اگر شیعی مذهب است.

در دعاها، حالت انتظار منتظران راستین، چنین ترسیم شده است: «فلو تطاولت الدهور، و تمدت الاعمار، لم ازدد فیک الا یقیناً، و لک الا حُبّاً و علیک الا متکلاً و معتمداً، و لظهورک الا متوقّعاً و منتظراً و لجهادی بین یدیک متربّحاً...» (25) اگر روزگاران به دراز کشد و عمر طولانی شود، یقینم به تو افزون گردد، و دوستیم فزونی یابد، و بر تو بیش از پیش تکیه کنم و مدد بخواهم، و چشم به ظهورت دارم و منتظرم، و آماده جهاد در راه توام... گذشت روزگار و استمرار نظام های طاغوتی و انبوهی حوادث و ویرانیه‌ها و سیطره ناکامی و سلطه شکست های پیاپی و انقلاب های نافرجام، منتظر راستین را از آینده مأیوس نخواهد ساخت، و در اصالت راه و کار خود تردید نخواهد کرد، و در نیمه شب سرد و تاریک یلدای زندگی، ایمان به نیمروز گرم و روشن تابستان را در دل زنده و پویا نگاه خواهد داشت...

محبت و دلبستگی به حضرت مهدی (عج)

یکی از مهم ترین احساسهای شیعه در برابر امام خود، دلدادگی، شیدایی، محبت و دوست داشتن اوست و بی گمان از برجسته ترین آثار معرفت امام، محبت به آن وجود مقدس است. حال به هر میزان این شناخت بیشتر باشد، محبت آنها بیشتر، و هر قدر محبت بیشتر باشد، از وجود سنخیت با آن انوار مقدس حکایت می کند، و هر میزان که سنخیت با آن ذوات مقدس افزایش یابد، نشان از تقرّب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است.

انسان وقتی به کسی علاقه داشته باشد، یاد و خاطره محبوب همیشه در فکر و ذهنش حضور دارد و این موجب می شود که زندگیش رنگ و بوی معشوق بگیرد. اگر محبوب انسان موجودی متعالی و ملکوتی باشد، این الگوپذیری زمینه رشد و تعالی او را فراهم می سازد و اگر محبوب و معشوق او موجودی پست و فرومایه باشد، این الگو پذیری موجب سقوط و هلاکت وی خواهد شد.

ازاین رو، اهمیت محبت به اهل بیت است که خداوند در قرآن کریم، مزد رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را مودّت و دوستی خاندان او قرار داده است و می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (26) بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی کنم، به جز دوستی و مودت نسبت به اهل بیت.

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ ، وَ تَكُونَ عِزَّتِي إِلَيْهِ أَعَزَّ مِنْ عِزَّتِهِ ، وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ، وَ تَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ» (27) هیچ بنده ای ایمان واقعی نمی آورد، مگر این که در نزد او من از خودش محبوب تر و اهل بیت من و خاندان من از اهل بیت و خاندان او محبوب تر باشند و ذات من از ذات خودش محبوب تر باشد.

همچنین فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ، فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمُنْتَظَرَ» (28) هرکس دوست دارد خدا را ملاقات کند، در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس دوست دارد حضرت حجت (عج) را. بنابراین، ایمان با محبت و ولایت امام عصرعج کامل می شود و یکی از شاخصه های

منتظر واقعی، دوستی با آن حضرت و تقویت آن در قلب است.

امام حسن عسکریع خطاب به حضرت مهدی (علیه السلام) فرمودند: «وَأَعْلَمُ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ تُزَعِّجُ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا أَمَّتْ أَوْكَارَهَا» (29) بدان که دلهای اهل بندگی و اخلاص به سوی تو پر می کشند؛

همچنان که پرنده به سوی آشیانه اش پر می کشد. البته این طور نیست که محبت یک طرفه باشد، بلکه امامان معصوم (علیهم السلام) نیز نسبت به شیعیان واقعی ابراز علاقه و محبت کرده و می کنند، و در غم و شادی آنان شریکند.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «الْإِمَامُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَالْوَلَدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَكَالْأُمِّ الْبَرَّةِ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ» (30) امام، امین و دوست است، و برادر دلسوز است، و مانند مادری است که نسبت به فرزند خردسال خود مهربان است.

همچنین امام علی (علیه السلام) فرمود: «أَنَا لِنَفْرَحَ لِفَرَحِكُمْ وَ نَحْزَنُ لِحَزَنِكُمْ» (31) ما در شادمانی شما شاد و برای اندوه شما اندوهگین می شویم.

این کلام آن حضرت بیانگر ارتباط عمیق احساس امام با امت را روشن می کند، و مبین غمگساری آن وجود مقدس نسبت به همه امت است.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا... لَا يَغْتَمُ إِلَّا غَتَمْنَا لَغَمِهِ، وَ لَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرَحْنَا لِفَرَحِهِ، وَ لَا يَغِيبُ عَنَّا أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِنْ كَانَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهِ» (32) هیچ کس از شیعیان ما... غم دیده نمی شود، مگر آن که ما نیز در غم او غمگین می شویم و شاد نمی شود، مگر این که از شادی او شاد می شویم، و هیچ یک از شیعیان ما در مشرق و مغرب زمین از نظر ما دور نیستند.

احساس لطیف و عمیق امام نسبت به آحاد امت، مانند احساس برادری برادر مهربان و بالاتر از آن، احساس مادران مهربان نسبت به فرزندان خردسال خود شمرده شده است؛ و این تمثیلی است از آنچه برای ما نمونه و سمبل گویای محبت و دوستی است، و گر نه احساس و محبت الهی امام، به نسبت بیکرانگی و عظمت روح امام، قابل توصیف نیست؛ چنانکه امام رضع در پایان این حدیث اشاره فرمودند.

امام مهدی (عج) فرمود: «إِنَّهُ أَنْهَى إِلَى ارْتِيَابِ جَمَاعَةِ مَنْكُمُ فِي الدِّينِ وَ مَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشُّكِّ وَالْحَيْرَةِ فِي وِلَاةِ أَمْرِهِمْ، فَغَمْنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا، وَ سَاءَ مَا فَعَلْنَا فِيكُمْ لَا فَعَلْنَا» (33) از تردید گروهی از شمشعیان در دین، و شک و سرگردانی در مسئله والیان امرشان آگاه شدم، پس این غم ما به خاطر شما است نه به خاطر خود ما، و برای شما متأثر شدیم نه برای خودمان.

در این روایت و مانند آنها حضرت مهدی (عج) نسبت به شیعیان ابراز محبت و علاقه نموده و اعلام کرده است که از گمراه شدن آنها به شدت ناراحت و متأثر می شود.

«... إلهی الہی، این این کفایتک التی هی نصرۃ المستضعفین من الانام ، و این این عنایتک التی هی جنۃ

المستهدفین لجور الایام. الی الی بها یا ربّ نجنی من القوم الظالمین. انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین.

مولای تری تحیری فی امری، و تقلبی فی ضری، و انطوای علی حرقة قلبی، و حرارة صدری، فصلّ یا رب علی محمد و آل محمد و جدلی یا ربّ بما انت اهلہ، فرجاً و مخرجاً، و یسرلی یا ربّ نحو البشری منهجاً...» (34) خداوند!

خداوند! کجاست؟ کفایت تو بندگان را که همان یاریگر مستضعفان است.

و کجاست؟ کجاست؟ عنایت تو که سپر هدف قرار گرفتگان بیداد روزگاران است. این کفایت و عنایت را ای پروردگار به من ارزانی دار؟ و مرا از ستمکاران رهایی بخش، به من زیان رسیده است و تو مهربانترین مهربانی ای مولای من!

سرگردانی مرا در کارم و گرفتاریم را در آزارها می بینی، و می نگری که با آتش دل و سوز سینه در هم آمیخته ام. پس ای خداوند بر محمد و آل محمد درود فرست، و به شایستگی خود، رهایی و گشایشی ببخشی، و راه رسیدن به مژده ها و شادیها را بگشای ...

آری، این چنین شور و سوزها در احساس خدایی امام نسبت به نجات انسان وجود دارد. و امام بدینسان دلسوز، یار، یاور و غمگسار مظلومان و محرومان و سرگشتگان است.

دعا برای تعجیل در فرج امام عصر (عج)

منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند؛ بنابراین، دعای فراوان برای فرج آن حضرت، از شاخصه همیشگی منتظر واقعی است. دعای برای تسریع در فرج آن امام همام، مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

در منابع روایی از حضرات معصومان (علیهم السلام) دعا برای فرج امام زمان (عج) به عنوان یکی از عوامل نجات انسان ها در دوران سخت و دشوار غیبت کبری مطرح شده است.

در روایتی از امام حسن عسکری عنقل شده که فرمودند: «وَاللّٰهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ لِدُعَاءِ بَتَّعْجِيلِ فَرَجِهِ» (35) به خدا سوگند که او غیبتی سخت می کند. در آن غیبت، از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خدای عزّ و جلّ او را بر قول به امامت آن حضرت ثابت بدارد و او را در عصر غیبت بر دعای به تعجیل فرج او موفق بدارد.

دعا برای تعجیل فرج امام زمان (عج) سنتی است که دیگر ائمه اطهار (علیه السلام) نیز به آن عمل می کردند.

(36)

همچنین خود آن امام همام نیز در موارد زیادی شیعیان را به دعای برای فرج خویش توصیه فرموده است. چنان که آن حضرت در پایان توقیع به جناب اسحاق بن یعقوب می فرماید: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَّعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» (37) برای تعجیل در فرج، زیاد دعا کنید که همانا آن فرج شماست.

درباره زمان و نحوه دعا برای فرج امام زمان (عج) توصیه های زیادی از سوی اولیای دین بیان شده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

الف) در منهاج العارفین آمده است: مستحب است انسان پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجه». (38)

ب) مرحوم شیخ بهائی نقل می کند: پس از نماز صبح و در حالی که با دست راست محاسن خود را گرفته و کف دست چپ را به سوی آسمان می گیری، هفت مرتبه می گویی: «یا رب محمد و آل محمد صلّ علی محمد و آل محمد وعجل فرج محمد و آل محمد». (39)

ج) علامه مجلسی در کتاب المقیاس نقل کرده است که: در تعقیب نماز صبح قبل از آن که با کسی صحبت کند صد بار بگوید: «یا ربّ علی محمد و آل محمد، وعجل فرج آل محمد واعتق رقبتی من النار». (40)

د) کتاب جمال الصالحین از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که حضرت فرمودند: از حقوق ما بر

شیعیان این است که پس از هر نماز واجب دست خود را به چانه گرفته و) سه بار بگویند: «یا رب محمد عجل فرج آل محمد یا رب محمد احفظ غیبة محمد، یارب محمد انتقم لابنة محمد صلی الله علیه و آله» (41) ه) مرحوم شیخ طوسی در کتاب مختصر المصباح در جایی که وظیفه های شب جمعه را ذکر می کند، صد بار این دعا را سفارش می کند: «اللهم صلّ علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم، واهلك عدوهم من الجن والانس من الاولین والآخرین.» (42)

صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر (عج)

صدقه دادن برای سلامتی حضرت، از جمله شاخصه های منتظران آن امام بزرگوار، در عصر غیبت است. گرچه حفظ وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) به اراده و مشیت الهی است، ولی اسباب یاد شده نیز به اذن و مشیت الهی می باشند، و به اصطلاح در طول آن هستند نه در عرض آن، و ثانیاً نتیجه عمده این اعمال در حقیقت به خود انسان بازمی گردند، و دعا کردن برای سلامتی وجود مبارک امام زمان (عج) و صدقه دادن برای آن حضرت، ضمن این که پیوند معنوی انسان را با حجت خدا برقرار و مستحکم می سازد، مایه سلامتی خود و دفع ناگواری ها و شداید خواهد بود. آری، بدون شک آن حضرت، بی نیاز از آن است که منتظران، برای سلامتی اش دعا نموده و صدقه بدهند، ولی ابراز ارادت به آن بزرگوار و اعلام تبعیت از آن حضرت، نشانه ها و علایمی دارد که از آن جمله می توان علاقه به سلامتی حضرت اش را عنوان کرد.

یاد فراوان امام عصر (عج)

یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند؛ اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند. امام علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لِهَجِّ بَذْكُرِهِ» (43) هر کس چیزی را دوست بدارد، همواره نام آن را بر زبان دارد.

و امام کاظم (علیه السلام) درباره غیبت امام زمان (عج) فرمود: «يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ» (44) خودش از دیدگان مردم پنهان می شود، ولی یاد او از دلهای مؤمنان مخفی نمی شود.

منتظران عاشق در دعای ندبه که زمزمه ای عاشقانه است هر صبح جمعه با معشوق خویش ارتباط برقرار نموده و به یاد او سرشک از دیدگانشان جاری می گردانند. چه زیباست نغمه های عاشقان مهدی آنجا که می گویند: «عزیزُ علیُّ أن أرى الخلق و لا ترى و لا اسمع لك حسیساً و لا نجوی؛ بسیار بر من سخت است که خلق را ببینم و تو را نبینم و از تو صدایی نشنوم.»

«هل من معین فاطیل معه العویل و البكاء؟ هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا؟ هل قذیت عین فساعدتها عینی علی القذی؟ هل الیک یا ابن احمد سبیل فتلقى؟ هل یتصل یومنا منک بعدة فنحظى؟» آیا کسی هست که مرا یاری کند تا به همراهی او ناله و گریه را طولانی کنم؟ آیا ناله کننده و بی تابی هست که من با زاری او را در هنگام تنهائیش یاری و همراهی کنم؟ آیا در چشمی خار رفته است که چشم من در ناراحتی و اشک با او همدردی نماید؟ ای زاده احمد! آیا راهی به سوی تو هست که به ملاقات تو منتهی گردد؟ آیا روز جدایی ما به فردای وصال می رسد که از آن حظ ببریم؟

نکته شایان توجه این که: البته آن امام همام (عج) نیز از یاد شیعیان خویش غافل نیست و اگر ارتباط ما با یوسف زهرعج برقرار شود و در همه امور زندگی به یاد و ذکر آن حضرت باشیم، به یقین مورد عنایت و لطف خاصه آن واسطه فیض الهی قرار می گیریم، چنان که در نامه آن حضرت به مرحوم شیخ مفید به این موضوع اشاره شده است. آن حضرت می فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ» (45) ما از رسیدگی به حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.

یارب آن مونس جان محرم اسرار کجاست	و آن طبیب دل بی طاقت بیمار کجاست
یک جهانند گرفتار فراقش یا رب	آن رهاننده این جمع گرفتار کجاست (46)

حزن و اندوه در فراق حضرت ولی عصر (عج)

یکی از نشانه های دوستی، محزون بودن در فراق و دوری از دوست و محبوب است. بدیهی است که علاقمندان به امام زمانعج در دوران غیبت کبرای در فراق او اندوهگین بوده و این حزن و اندوه را به گونه های مختلفی بروز می دهند.

ائمه اطهارع نیز برای امام زمان عج می گریستند؛ چنان که سدید صیرفی می گوید: خدمت مولایمان امام صادق (علیه السلام) رفتیم و امام را در حال گریه و ناله دیدیم. او

آن گاه حالت امام را این گونه تشریح می کند: «هو یبکی بکاء الوالد الثکلی ذات الکبد الحرسی قد نال الحزن من وجنتیه و شاع التغییر فی عارضیه و املاء الدموع محجریه و هو یقول سیدی غیبتک نفت رقادی وضیقت علی مهدی وابتزت منی راحة فؤادی، سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجائع الابد» (47) او همچون مادر فرزند از دست داده، می گریست، اندوه از گونه های مبارکش پیدا بود و رنگ چهره اش تغییر کرده بود. اشک های او لباسش را خیس کرده بود و در این حالت می گفت: مولای من! غیبت تو، خواب را از چشمانم ربوده و زمین را بر من تنگ نموده و آسایش دلم را از من گرفته است. مولای من! غیبت تو، بلا و مصیبت مرا به فاجعه های ابدی پیوند داده

است.

شاعر عرب حزن و اندوه قلبی خود را در غم دوری از حضرت مهدی (عج) چنین بیان کرده است:

قلبی الیک من الاشواق محترق	ودمع عینی من الالماق مندفق
الشوق یحرقنی والدمع یغرقنی	فهل رایت غریقاً وهو محترق؟ (48)

و شاعری پارسی گوی، ابیات فوق را چنین به فارسی در آورده است:

دل زشوق دیدنت سوزد چو عود	از فراقیت دیده بارد همچو رود
غرقه در سیلاب اشک و دل کباب	کس غریق شعله ور کی دیده بود

«اللهمَّ أعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ؛ خدایا! ما را در ادای حقوقی که امام زمان (عج) بر ما دارد یاری فرما.»

پی نوشت ها:

1. بحارالانوار، ج 5، ص 312.

2. شیخ طوسی، غیبت نعمانیه، ص 129، ح 6، چاپ مكتبة الصدوق؛ بحارالانوار، ج 8، ص 368 و ج 32، ص 321 قندوزی، ینابیع الموده، ج 3، ص 372.

3. فخررازی، مجموعه الرسائل، رسالة المسائل الخمسون، ص 384، مسئله 47، چ مصر، 1328 ه. ق.

4. مرحوم کلینی، اصول کافی، کتاب الحجة، باب فی الغیبة، ترجمه و شرح مصطفوی، ص 60، ح 5، تهران، 1344 ش.

5. کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، باب 34، ح 5.

6. همان، ج 1، ص 439.

7. همان، ج 2، باب 33، ح 44.

8. غیبت نعمانی، ص 200، ح 16.

9. اصول کافی، ج 2، باب فی الغیبه، ص 132.

10. غیبت نعمانی، باب ماجاء فی ذکر الشیعه، ص 173 بحارالانوار، ج 52، ص 366.

11. الکافی، ج 6، ص 535، ح 1.

12. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، عماد الدین طبری الأملی الکنجی، چاپ نجف اشرف، ص 113.

13. سوره آل عمران، آیه 110.

14. الکافی، ج 5، ص 56 التهذیب طوسی، ج 6، ص 180 و تحف العقول، ص 227.

15. بحارالانوار، ج 52، ص 128.

16. من مات منکم علی هذا الامر منتظراً له کان کمن کان فی فسطاط القائم (علیه السلام). بحارالانوار، ج

52، ص 125.

17. بحارالانوار، ج 52، ص 123.

18. رسول خدا ص فرمود: افضل اعمال امتی انتظار الفرج با فضیلت ترین اعمال امت من، انتظار فرج است.

19. الكافي، ج 8، ص 37؛ مكيال المكارم، ج 2، ص 290.
20. اصول كافي، ج 2، باب نادر في الغيبه، ص 127.
21. الكافي، ج 8، ص 37.
22. قطب الدين راوندي، الدعوات، ص 41، چاپ: مدرسة الامام المهدي.
23. بحارالانوار، ج 52، ص 129.
24. كمال الدين و تمام النعمه، ج 1، ص 437.
25. مفاتيح الجنان، ص 527.
26. سوره شوري، آيه 23.
27. بحارالانوار، ج 27، ص 75؛ امالي، ص 86، ج 30.
28. بحارالانوار، ج 36، ص 296، باب 41، ج 152.
29. كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 348، ج 19.
30. تحف العقول، ص 324.
31. مكيال المكارم، ج 1، ص 94.
32. همان، ج 1، ص 454.
33. بحار الانوار، ج 53، ص 178.
34. الصحيفة المهدية، ص 115.
35. كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 260.
36. بحارالانوار، ج 98، ص 158.
37. كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 361.
38. منهاج العارفين، ص 108.
39. مفتاح الفلاح، ص 206؛ مصباح المتعبد، ص 53.
40. مكيال المكارم، ج 2، ص 13.
41. همان، ص 7.
42. همان، ص 31.
43. غرر الحكم و دررالكلم، ج 1، ص 231.
44. كمال الدين و تمام النعمه، ج 2، ص 221، ج 6.
45. احتجاج، ج 2، ص 598.
46. يار غائب از نظر، محمد حجّتي، ص 35.
47. كمال الدين، ج 2، باب 34، ص 21.
48. مكيال المكارم، ج 2، ص 250.